



جنگ تحمیلی تجربه ای که گران تمام شد!!

آب‌نین محقق

در تاریخ هر کشوری سر فصل‌های بسیاری وجود دارد که در آنها روندهای معمول، تغییر مسیر می‌یابند. همچنان که در گذشته‌ی سرزمین ما نیز از این قبیل وقایع بسیار یافت می‌شود. لذا با مروری کوتاه بر گذشته‌ی ایران زمین با جنگ‌های بسیاری که در طول ۲ سده اخیر که بیشتر آنها در موضع دفاع از کشور بوده است روبه‌رو می‌شویم که البته جنگ ناخواسته‌ای که به واسطه تجاوز کشور عراق به سرزمین مان صورت گرفت، آخرین و یکی از طولانی‌ترین آنهاست که در نتیجه‌ی آن ایران و ایرانیان در طی ۸ سال درگیر جنگی گسترده شدند. در اواخر شهریور ۱۳۵۹ در حالی که ایران هنوز در تلاطم حاصل از انقلاب به سر می‌برد و نهادهای انقلابی به صورت کامل مستقر نشده بودند، جامعه هنوز دچار درگیری‌های سیاسی بود. بخش اقتصاد نیز با تغییر سازوکارهای دوران گذشته توسط نظام

جدید هنوز مستقر نشده بود که یکباره با هجوم رژیم عراق به مرزهای غربی کشور، مسوولان کم‌تجربه با پدیده‌ای بحران‌زا روبه‌رو شدند که آنان را به مدیریت در شرایط بحرانی وادار نمود. البته قابل توجه است که در شرایط بحرانی مانند جنگ با دشمنان خارجی چه در موضع مهاجم یا مدافع، تمامی بخش‌های اقتصاد به نوعی با بحران درگیر شده و اقتصاد در جایگاه تامین‌کننده مایحتاج جنگ قرار می‌گیرد.

در چنین شرایطی نیروی انسانی که در جامعه موتور اصلی حرکت محسوب شده و لذا به علت درگیری در دفاع و حضور در جبهه‌های نبرد از وظایف اصلی خود باز می‌مانند به همین خاطر بخش قابل توجهی از تولید و خدمات با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شود. از سوی دیگر با آسیب دیدن زیرساخت‌های اقتصادی اعم از کارخانه‌ها، حمل و نقل، سیستم خدمات و... فعالیت‌های اقتصادی آسیب‌های قابل توجه می‌بیند به همین دلیل عموماً در طی جنگ‌ها تولید سرانه کشورها با کاهش قابل توجهی مواجه می‌شود که بازگشت آن به سال‌های پیش از جنگ نیاز به صرف زمان و هزینه‌های بسیاری دارد.

در مورد جنگ ایران و عراق محدودیت جدی دیگری علاوه بر موارد پیش گفته بر اقتصاد ایران تحمیل شد، به دلایل سیاسی در آن دوران ایران به

عنوان کشوری شوریده بر قوانین بین‌الملل از سوی قدرتمندان طرد شده بود و به این واسطه تنها با عراق به عنوان دشمن روبه‌رو نبود، بلکه بسیاری کشورها به صورت مستقیم و غیر مستقیم با حضور در کنار عراق به ایجاد محدودیت و تحریم بر علیه ایران می‌پرداختند که مهمترین بخش آن تحریم‌های اقتصادی بود.

اقتصاد ایران و مواجهه با جنگ

ارتش عراق با تدارکاتی گسترده از مرزهای غربی به کشور ما هجوم آورد و در چند هفته‌ی نخست، تقریباً ۲۰ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران را در امتداد مرز سرزمینی ۱۲۰۰ کیلومتری دو کشور به اشغال خود درآورد و در برخی نواحی تا عمق ۸۰ کیلومتری کشورمان پیش رفت و به واسطه این هجوم همه جانبه بیش از ۲ میلیون نفر بی‌خانمان و آواره شدند که بسیاری از آنها به شهرهای امن مهاجرت نمودند. بدین واسطه آثار و عوارض جنگ در سطح کشور حتی در استان‌هایی که به طور مستقیم زیر آتش نبودند گسترش یافت که از جمله تبعات آن تغییر بافت جمعیتی شهرهای مهاجرپذیر و مشکلات ناشی از کمبود امکانات شهری و... بود. با آغاز جنگ تحمیلی، اقتصاد ایران با دو مشکل به صورت هم‌زمان روبه‌رو شد. نبود ساختارهای

سازمانی مناسب با شرایط جدید سیاسی و همچنین هزینه‌های دفاعی تحمیل شده به بدنه اقتصاد کشور در آن دوران که مدیریت اقتصاد را با توجه به شرایط جنگی با مشکلات فزاینده‌ای روبه‌رو نمود. در ماه‌های اولیه نبرد به واسطه حضور پر شور مردم در دفاع قهرمانانه از مرزهای کشور، جنگ بیشتر به صورت غیر کلاسیک و چریکی انجام می‌گرفت به همین دلیل هزینه‌ها به نسبت پایین بود. قابل توجه است که سهم هزینه‌های تحمیلی به اقتصاد ایران تا قبل از فتح خرمشهر کمتر از ۹ درصد از کل هزینه‌های ۸ سال جنگ تحمیلی است که مهم‌ترین دلایل آن علاوه بر غیر کلاسیک بودن جنگ، به جریان داشتن آن در حاشیه مرزها بر می‌گردد. اما با ادامه جنگ بعد از سال ۶۱ شرایطی متفاوت برای کشور پیش آمد. بعد از فتح خرمشهر و بیرون راندن دشمن به پشت مرزهای بین‌المللی و شکل‌گیری روحیه پیروزی در سطح کشور، مسوولان در برابر سوال کلیدی جنگ یا صلح قرار گرفتند که در نهایت مصلحت بر ادامه‌ی جنگ قرار گرفت. در فاز دوم، جنگ از حالت غیر کلاسیک چریکی به حالت کلاسیک و دارای هزینه‌های فزاینده تبدیل شد.

از سال ۶۲ به بعد جنگ از حاشیه مرزهای غربی به پهنة کشور گسترش یافت و در حدود ۸۷ شهر در اثر بمباران‌های دشمن آسیب‌های جدی دیدند و این امر به مرور زمان بر میزان هزینه‌ها افزود چنان که در سال ۶۵ بالاترین خسارات دوران ۸ ساله به کشور وارد شد. اقتصاد ایران از ره‌آورد جنگ آسیب‌های بسیاری را متحمل شد که می‌توان آنها را در دو دسته کلی مستقیم و غیر مستقیم طبقه‌بندی نمود که البته آثار آن در برخی نقاط با گذشت نزدیک به دو دهه از پایان جنگ هنوز باقی است. در برآوردهایی که از میزان این خسارت صورت گرفته است، می‌توان به رقم ۶۵۳۵۳۷۵۰ میلیون ریال رسید. که این رقم سه برابر کل درآمد نفتی ۳۰ سال قبل از آن که در حدود ۲۱ میلیون ریال بوده است، می‌باشد.

سهمیه‌بندی

خاطره سال‌های جنگ جهانی دوم که ایران علی‌رغم عدم حضور جدی در جنگ از خسارات آن در امان نماند و با مشکلات شدیدی همچون قحطی روبه‌رو شد، به عنوان یادگاری تلخ در حافظه ملت ایران باقی مانده است. از این رو با وقوع جنگ دغدغه اصلی مسوولان جلوگیری از ایجاد مشکلات معیشتی و بروز کمبودهای شدید در ارزاق عمومی

بود به همین خاطر با چاره‌جویی‌های انجام گرفته، سیستم سهمیه‌بندی کوپنی برای اداره اقتصاد ایران در نظر گرفته شد. گستره این مکانیزم بخش قابل توجهی از کالاها را در بر می‌گرفت.

با مروری بر عملکرد این سیستم در آن سال‌ها می‌بینیم که ارزاق عمومی و اساسی مردم همیشه در دسترس عموم قرار داشت. اما وجه دیگر این مساله شکل‌گیری بازار سیاه بود که به واسطه تفاوت قیمت بازار و سهمیه‌بندی شکل گرفته بود و منجر به شکل‌گیری طبقه اجتماعی نوکیسه در کشور شد. با بررسی اجرایی این سیاست مهم‌ترین دستاورد برای کشور تامین کالاهای اساسی بود، اما آثار جانبی آن تا به امروز اقتصاد ایران را با خود درگیر نموده است. در قضاوت نهایی می‌توان گفت سیستم کوپنی خالی از اشکال نبود و می‌توانست با نظارت دقیق‌تر اجرای پربارتری را به همراه داشته باشد.

اقتصاد ایران و تجربه جنگ

سال‌های جنگ تجربه‌ای عمیق برای اقتصاد نوپای جمهوری اسلامی ایران فراهم آورد. با توجه به وجود سازوکارهای برنامه‌ریزی در کشور و فراهم بودن زیرساخت‌های آن در سال‌های اولیه انقلاب تلاش‌هایی برای تنظیم برنامه‌ای کلان برای اقتصاد انجام شد که هر کدام به دلایلی ناکام ماندند. اما کلیدی‌ترین علت را باید همان جنگ و الزامات حاصل از آن به شمار آورد. از سوی دیگر نوسانات قیمت نفت و عدم ملاحظه آنها در نظام برنامه‌ریزی باعث شد سه برنامه همگی در مرحله تدوین باقی بمانند و راهی به اجرا نیابند.

در طول ۸ سال جنگ، اقتصاد ایران بیشترین نوسانات خود را همراه با درآمد نفتی تجربه نمود. با بروز رونق در درآمدهای حاصل از فروش نفت، اقتصاد به سمت آزادسازی و مصرف‌گرایی سوق پیدا کرد و با پدید آمدن یک رکود، برنامه‌ریزان به دنبال مصرف بهینه منابع شتافتند.

در طول سال‌های جنگ تجربیات بسیاری حاصل از آن دوران نصیب اقتصاد ایران شد که بسیاری آن را نتیجه فشار و شرایط محیطی حاصل از وضعیت تحمیل شده به کشور می‌دانند. در آن سال‌ها به علت بسیاری محدودیت‌ها توان مهندسی و فنی کشور برای حل معضلات به راه افتاد و ما شاهد دست‌آورد‌های چشمگیری در زمینه‌های راه‌سازی، صنعت نفت و... بودیم که در تاریخ ایران کم‌نظیر است، اما متأسفانه به علت عدم استفاده

صحیح از تجارب حاصله در دوران بحران، کمتر شاهد انتقال آن به دوران بعد از جنگ بودیم.

روی دیگر سکه جنگ، هزینه‌های تحمیل شده به اقتصاد ایران بود به طوری که GDP سرانه سال ۶۷ به قیمت ثابت سال ۵۳ از ۱۱۴ هزار ریال در سال ۱۳۵۶ به ۵۸/۹ هزار ریال در سال ۱۳۶۷ کاهش یافت. در حد فاصل سال‌های جنگ نسبت سرمایه‌گذاری به محصول ناخالص داخلی از ۲۷/۴ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافت.

حجم خسارات وارده به اقتصاد ایران به واسطه جنگ بسیار گسترده است که با برآوردهای صورت گرفته در سال‌های پس از جنگ، ابعاد آن آشکار گردید.

بر طبق اعلام سازمان برنامه، هزینه مستقیم وارده به بخش ساختمان ۲۱ بیلیون ریال بوده است که این رقم برابر کل سرمایه‌گذاری کشور در این بخش طی ۶۸-۱۳۳۸ بود. یعنی به عبارت بهتر تمام سرمایه‌گذاری انجام شده در بخش ساختمان در طول ۳۰ سال قبل از آن در دوران جنگ نابود شده است.

بر اساس برآوردهای انجام شده خسارت مستقیم وارده به بخش ماشین‌آلات ۲۰/۳ بیلیون ریال بوده است که کل سرمایه‌گذاری کشور در این بخش در طول ۳۰ سال قبل از آن تنها برابر ۰/۴ میزان خسارت است.

در بخش صنایع و معادن نیز خسارت وارده ۲/۵ بیلیون ریال برآورده شده است که با رقم سرمایه‌گذاری ۳۰ ساله در این بخش برابری می‌کند. خسارت مستقیم وارده به بخش کشاورزی ۱۵/۹ بیلیون ریال اعلام شده است که در مقایسه با ۰/۲ بیلیون ریال سرمایه‌گذاری این بخش در طول ۳۰ سال، به وقوع اتفاق تاسف‌آوری در سطح کشاورزی ایران پی می‌بریم.

در جمع‌بندی نهایی خسارات اعلام شده است که ۶۵ درصد از کل هزینه‌های وارده به بخش تولید تحمیل شده و ۳۵ درصد نیز بخش خدمات متحمل این هزینه‌ها گردیده است.

با توجه به آسیب دیدن ساختارهای تولید کشور در این دوران که بنابر برآوردها، ۶۵ درصد کل خسارات را در بر می‌گیرد باعث شد نرخ بیکاری از ۷/۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۴/۱ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یابد.

لذا می‌توان با مروری کوتاه بر شاخص‌های کلان در آن سال‌ها به وضعیت نامناسب اقتصادی در سال پایانی جنگ پی برد، شرایطی که در نهایت منجر به پذیرفتن قطعه‌نامه از سوی ایران شد.